

از دستفروشی و کار در کارگاه‌های کوچک تافریلنسری، رانندگی در بلتفرم‌های آتلاین و فروش در فرودش در اینستاگرام؛ مشاغل غیررسمی در ایران برای بخشی از جامعه دیگر انتخاب دوم نیستند، راهی برای ماندن در بازار کار است.

به گزارش اقتصادنیوز، اما همین مشاغل که در روزهای عادی بخشی از بار اشتغال را به دوش می‌کشند، در دو سال گذشته زیر فشار جنگ، قطعی اینترنت، سقوط قدرت خرید، تورم و نااطمینانی اقتصادی، به یکی از آسیب‌پذیرترین لایه‌های اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند.

تصویری جدید از بازار کار ایران

یک روز بساط کنار مترو پهن می‌شود، روز دیگر با موتور بسته جابه‌جا می‌شود، شب سفارش صفحه اینستاگرامی پاسخ داده می شود و ممکن است آخر هفته هم پروژه‌ای برای یک شرکت انجام شود. نه قرارداد بلندمدتی وجود دارد، نه درآمد در پایان ماه معلوم است و نه اگر فردا کار متوقف شود، لزوما بیمه بیکاری یا سازوکار حمایتی در انتظار است. این تصویر، دیگر فقط تصویر دستفروشان یا کارگران روزمزد نیست؛ بخشی از شکل تازه بازار کار ایران است.

مرکز آمار از درآمد ماهانه ۴۰ میلیون تومانی خانوارهای شهری خبر می‌دهد، اما بررسی ترکیب درآمدها نشان می‌دهد بخشی از آن می‌تواند غیرنقدی باشد؛ درآمدی که در آمار ثبت می‌شود، اما الزاما پول قابل خرج نیست.

اقتصاد وقتی توان ایجاد شغل رسمی به اندازه مشارکت کنندگان در بازار کار را از دست می‌دهد، بازار کار از بین نمی‌رود؛ شکلش عوض می‌شود. کسانی که شغل رسمی پیدا نمی‌کنند یا درآمد شغل اصلی‌شان کفاف زندگی را نمی‌دهد، به خوداشتغالان، کار پروژه‌ای، پلتفرمی، فروش خانگی، خدمات شخصی، کارگاه‌های کوچک، رانندگی، دستفروشی و انواع فعالیت‌هایی می‌روند که بخش بزرگی از آنها بیرون از پوشش کامل بیمه، قرارداد و حمایت‌های مرسوم بازار کار قرار دارند.

سازمان بین‌المللی کار در تازه‌ترین اطلاعات قابل اتکای خود درباره ایران اعلام کرده است که نرخ اشتغال غیررسمی در سال ۲۰۲۴ به ۵۸.۷ درصد رسیده است؛ ۶۰.۷ درصد برای مردان و ۵۵.۹ درصد برای زنان. وضعیت جوانان نگران‌کننده‌تر است؛ ۶۹.۴ درصد شاغلان جوان در اشتغال غیررسمی قرار داشته‌اند.

غیررسمی یعنی بی‌چتر؛ نه لزوماً غیرقانونی

وقتی از «شغل غیررسمی» حرف می‌زنیم، نباید آن را با فعالیت غیرقانونی یا اقتصاد زیرزمینی یکی دانست. در تعریف سازمان بین‌المللی کار، مسئله اصلی رابطه شغلی است؛ شغلی که در عمل تحت پوشش کافی قانون کار، مالیات، تأمین اجتماعی، مرخصی، بیمه و سایر حمایت‌های متعارف قرار ندارد. بنابراین یک فروشنده خانگی، راننده پلتفرمی، کارگر یک کارگاه، نیروی پروژه‌ای یا حتی فردی که برای یک بنگاه رسمی کار می‌کند، ممکن است از نظر آماری شاغل غیررسمی محسوب شود اگر رابطه کاری او فاقد این حمایت‌ها باشد.

همین ویژگی در روزهای بحران اهمیت پیدا می‌کند. کارمند رسمی ممکن است در تعطیلی موقت شرکت همچنان حقوق دریافت کند، بیمه داشته باشد یا حداقل برای مطالبه حقوق معوق خود مسیر قانونی مشخصی داشته باشد؛ اما درآمد فروشنده خیابانی، آرایشگر خانگی، فریلنسر، تولیدکننده کوچک اینستاگرامی یا کارگر روزمزد غالباً همان روزی متوقف می‌شود که مشتری، اینترنت، حمل‌ونقل یا امکان حضور در محل کار از بین برود.

به همین دلیل اشتغال غیررسمی در اقتصاد همزمان دو نقش متناقض بازی می‌کند؛ از یک طرف «سوپاپ» بازار کار است و اجازه می‌دهد فرد بیکار به هر شکل ممکن درآمدی پیدا کند، اما از طرف دیگر میلیون‌ها نفر را در برابر کوچک‌ترین شوک بدون ضربه‌گیر باقی می‌گذارد.

وقتی در استخدام بسته می‌شود، بازار غیررسمی بزرگ‌تر می‌شود
رشد مشاغل غیررسمی فقط محصول انتخاب افراد نیست. پژوهش‌ها نشان می‌دهد تحریم، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، ضعف ایجاد شغل رسمی، پیچیدگی مقررات، کوچک‌شدن بنگاه‌ها و کاهش توان کارفرمایان برای پرداخت هزینه‌های استخدام رسمی، همگی می‌توانند کار را به سمت غیررسمی‌شدن ببرند. بانک جهانی در بررسی ساختار بازار کار ایران نیز «شرایط ضعیف اقتصاد کلان»، پیچیدگی و همپوشانی مقررات و محدودیت ظرفیت نهادی را از عوامل گسترش اشتغال غیررسمی دانسته است. تجربه کرونا هم نشان داد نخستین قربانیان یک شوک بزرگ همین گروه‌اند؛ در سال ۲۰۲۰-۲۰۲۱ کاهش اشتغال در بخش غیررسمی ایران بیش از ۶ درصد بود، در حالی که افت اشتغال رسمی بسیار کمتر گزارش شد.

اما شاید مهم‌تر از آن، یک پژوهش تازه درباره خود ایران باشد. مطالعاتی که نتایج آن در سال ۲۰۲۵ از سوی UNU-WIDER منتشر شد، اثر تحریم‌های اقتصادی بر بازار کار ایران پس از تحریم‌های سال ۲۰۱۲ را بررسی کرده است. نتیجه قابل توجه است: احتمال ورود کارگران صنایع بیشتر در معرض تجارت خارجی به اشتغال غیررسمی پس از تحریم‌ها حدود پنج واحد درصد، معادل تقریباً ۹ درصد، بیشتر شد. پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که اقتصاد ایران بخشی از شوک تحریم را نه از طریق بیکاری آشکار، بلکه از مسیر انتقال نیروی کار به اشتغال غیررسمی جذب کرده است.

این همان نقطه‌ای است که آمار بیکاری به تنهایی ممکن است



رییس اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط زیست ایران با بیان اینکه باید از رویکرد قطع درخت خشک و کاشت نهال جدید در چیتگر به رویکرد «مدیریت یکپارچه جنگل» توجه کرد، گفت: در این رویکرد آب، خاک، آفت، ساختار توده، ترکیب گونه‌ای، تأمین مالی، مسئولیت‌پذیری مدیریتی، هماهنگی‌های بین بخشی و مدیریت متمرکز هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود.

به گزارش ایسنا در شرایطی که خشکیدگی و قطع درختان پارک چیتگر به یکی از موضوعات داغ محیط زیستی هفته‌های اخیر تبدیل شده است و سازمان منابع طبیعی و شهرداری تهران همدیگر را مقصر وضع موجود می‌دانند، این پرسش به وجود می‌آید که چه حد احاله مدیریت پارک‌های جنگلی به شهرداری

چرا گرایش به مشاغل غیررسمی با تحریم و جنگ صعودی شد؟

نیروهای نامرئی بازار کار

رشد مشاغل غیررسمی در ایران دیگر فقط نشانه کمبود شغل رسمی نیست؛ جنگ، تورم، قطعی اینترنت، کاهش قدرت خرید و نااطمینانی اقتصادی، میلیون‌ها شاغل بدون بیمه و قرارداد را در معرض فشار معیشتی شدیدتری قرار داده است.



تصویر کاملی ندهد؛ فردی که شغل کارخانه را از دست می‌دهد و فردای آن روز راننده، دستفروش یا کارگر پروژه‌ای می‌شود، در آمار دیگر «بیکار» نیست، اما الزاما به یک شغل باثبات‌تر هم نرسیده است.

دو سالی که بحران روی بحران نشست

درباره اینکه سهم اشتغال غیررسمی در ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ دقیقاً چند واحد درصد افزایش یافته، هنوز آمار رسمی نهایی در دسترس نیست؛ بنابراین نمی‌توان با قطعیت عددی برای رشد دو سال اخیر اعلام کرد. اما تقریباً تمام شاخص‌های پیرامونی نشان می‌دهند شرایطی که افراد را به سمت مشاغل بی‌ثبات‌تر می‌راند، در این دوره تشدید شده است.

طبق نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، جمعیت شاغل کشور در بهار ۱۴۰۵ به ۲۴ میلیون و ۶۷۲ هزار نفر رسید؛ حدود ۴۵۰ هزار نفر کمتر از بهار سال قبل. همزمان نرخ بیکاری از ۷.۳ درصد در بهار ۱۴۰۴ به ۹.۱ درصد در بهار امسال افزایش یافت و نرخ مشارکت اقتصادی نیز از ۴۱.۲ به ۴۰.۷ درصد کاهش پیدا کرد. جمعیت غیرفعال اقتصادی هم حدود ۷۹۶ هزار نفر بیشتر شد. بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله نیز به ۲۳.۴ درصد رسید.

این اعداد در اقتصاد ثبت شده‌اند که پیش از آن نیز بیش از نیمی از شاغلانش در وضعیت غیررسمی قرار داشتند. بنابراین حتی اگر امروز هنوز نتوان سهم دقیق اشتغال غیررسمی سال ۱۴۰۵ را روی کاغذ نوشت، مسیر انتقال بخشی از نیروی کار از استخدام باثبات به کارهای روزمزدی، پلتفرمی و مستقل قابل مشاهده است.

جنگ: ضربه‌ای که بنگاه کوچک زودتر حس کرد

جنگ ۱۲روزه خرداد ۱۴۰۴ نخستین آزمون سنگین این دوره بود. نتیجه نظرسنجی مشترک کار بازرگانی تهران و ایران‌تلنت از مدیران و صاحبان کسب‌وکار نشان داد ۹۰ درصد کسب‌وکارهای مورد بررسی افت تولید را تجربه کردند و ۵۵ درصد با کاهش بیش از ۵۰ درصدی تولید یا خدمات مواجه شدند.

در همان گزارش، ۴۱ درصد کسب‌وکارهای کوچک زبانی بالاتر از یک میلیارد تومان اعلام کردند و ۶۳ درصد بنگاه‌های کوچک بیش از نیمی از نقدینگی خود را از دست دادند. پس از توقف درگیری نیز ۷۴ درصد شرکت‌ها گفتند تولیدشان هنوز پایین‌تر از سطح پیش از جنگ است. ۳۳ درصد شرکت‌ها تعدیل نیرو و ۳۶ درصد تعطیلی بخشی از فعالیت خود را در دستور کار قرار داده بودند. این اعداد درباره بنگاه‌های ثبت‌شده است؛ حالا می‌توان وضعیت شغلی را تصور کرد که اساساً ترازنامه، ذخیره نقدی، اعتبار بانکی یا بیمه بیکاری ندارد.

برای یک مغازه یا کارخانه بزرگ، جنگ می‌تواند به معنای کاهش فروش باشد؛ برای فروشنده روزمزد یا کارگر مستقل، ممکن است به معنای صفر شدن درآمد همان روز باشد.

و بحران به جنگ ختم نشد. اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۶ وارد درگیری طولانی‌تری شد. بانک جهانی می‌گوید فعالیت اقتصادی ایران به شدت تحت تأثیر جنگ، تحریم، ناآرامی‌ها و اختلالات تجاری قرار گرفته و اقتصاد کشور در سال مالی ۲۰۲۵/۲۰۲۶ حدود ۲.۷ درصد کوچک شده است. صندوق بین‌المللی پول نیز در آخرین برآورد خود برای سال ۲۰۲۶ رشد اقتصادی ایران را منفی ۵.۴ درصد و متوسط تورم را ۶۸.۹ درصد پیش‌بینی کرده است.

اینترنت که قطع شد، مغازه‌ای که دیوار نداشت هم تعطیل شد
شاید هیچ شوکی به اندازه قطع اینترنت ماه‌های نخست ۱۴۰۵ نشان نداد که تعریف «زیرساخت شغلی» در ایران تغییر کرده است.

برای میلیون‌ها نفر مغازه دیگر یک واحد تجاری در خیابان نیست؛ صفحه اینستاگرام، کانال تلگرام، پیام‌رسان، درگاه پرداخت، موتور جست‌وجو و ارتباط آتلاین با مشتری همان مغازه

و مشاغل مستقل در آنها حضور دارند.

حتی افزایش دستمزد نیز نتوانسته با سرعت کاهش ارزش پول همراه شود. حداقل دستمزد کارگران در ابتدای ۱۴۰۵ با رشد اسمی ۶۰ درصدی به پایه ماهانه حدود ۱۶.۶ میلیون تومان رسید، اما رویترز در مرداد گزارش کرد ارزش دلاری حداقل مزد از حدود ۱۰۵ دلار در اواخر اسفند و ابتدای فروردین به حدود ۸۶ دلار کاهش یافته است.

در روزهای اخیر هم فشار ارزی شدیدتر شده است؛ نرخ دلار در بازار آزاد در سوم شهریور به حدود دو میلیون ریال، یعنی حدود ۲۰۰ هزار تومان رسید. این سقوط ارزش پول فقط واردکنندگان را گرفتار نمی‌کند؛ مواد اولیه، اجاره، حمل‌ونقل و هزینه جایگزینی کالا را بالا می‌برد و همزمان توان خرید مشتری را پایین می‌آورد.

برای شغل غیررسمی این یک چاقو دو لبه است: هزینه‌ها از بالا رشد می‌کنند و مشتری از پایین کم می‌شود.

نااطمینانی؛ عاملی که در آمار فروش دیده نمی‌شود

یک کسب‌وکار برای زنده ماندن فقط مشتری امروز را لازم ندارد؛ باید بتواند حداقل چند ماه بعد را هم تصور کند. در گزارش پسا‌جنگ اتاق بازرگانی تهران و ایران‌تلنت، پس از مشکلات نقدینگی و نوسانات ارز، ۳۶ درصد مدیران «ابهام و عدم قطعیت نسبت به تکرار درگیری» را یکی از موانع اصلی احیای فعالیت خود عنوان کردند. ۵۶ درصد نیز انتظار داشتند وضعیت اقتصادی در سه ماه آینده بدتر شود و تنها ۱۶ درصد منتظر بهبود بودند.

نااطمینانی برای بنگاه کوچک معنای مشخصی دارد؛ صاحب کارگاه مواد اولیه نمی‌خرد چون نمی‌داند یک ماه بعد قیمت چند است؛ فروشنده موجودی انبار را بالا نمی‌برد؛ کارفرما نیروی تازه استخدام نمی‌کند؛ خانوار خرید بزرگ را عقب می‌اندازد و فریلنسر نمی‌داند قرارداد بعدی وجود خواهد داشت یا نه.

در نهایت اقتصادی شکل می‌گیرد که افراد در آن کار می‌کنند، اما کمتر برنامه‌ریزی می‌کنند؛ درآمد دارند، اما مطمئن نیستند ماه بعد هم داشته باشند. این همان مرز باریک میان «اشتغال» و «امنیت شغلی» است.

اشتغال غیررسمی در تمام دنیا وجود دارد؛ تفاوت در چتر نجات است

اشتغال غیررسمی البته پدیده‌ای ایرانی نیست. تازه‌ترین مرور ILOSTAT نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۵ هنوز ۵۷.۹ درصد کل شاغلان جهان در اشتغال غیررسمی بوده‌اند. در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته این رقم به ۸۸.۶ درصد و در بخش‌هایی از آفریقای جنوب صحرای به ۸۷.۶ درصد می‌رسد. در آسیا و اقیانوسیه نیز بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۵ حدود ۱.۳ میلیارد نفر، معادل ۶۶ درصد شاغلان منطقه، در اقتصاد غیررسمی فعالیت می‌کنند.

حتی آمریکای لاتین که طی سال‌های اخیر در رسمی‌سازی اشتغال پیشرفت کرده، در نیمه نخست ۲۰۲۵ نرخ اشتغال غیررسمی ۴۶.۷ درصدی داشته است؛ یعنی تقریباً یک نفر از هر دو شاغل.

پس مسئله صرفاً وجود مشاغل غیررسمی نیست؛ مسئله این است که فرد غیررسمی هنگام بحران چه چیزی زیر پای خود دارد. کشورهایی مانند هند، ویتنام، مغولستان، کامبوج و تایلند در سال‌های اخیر به سمت ثبت دیجیتال شاغلان غیررسمی، ساده‌کردن ثبت کسب‌وکار و گسترش پوشش‌های اجتماعی برای کارگران خانگی، مهاجران و خوداشتغالان حرکت کرده‌اند. سازمان بین‌المللی کار این سیاست‌ها را بخشی از مسیر «رسمی‌سازی تدریجی» می‌داند؛ یعنی قرار نیست دستفروش یا فریلنسر یک‌شبه کارمند یک شرکت شود، اما می‌تواند بیمه، شتاسه اقتصادی ساده، دسترسی مالی و حمایت در زمان بحران داشته باشد.

تفاوت اصلی همین‌جاست. ممکن است راننده پلتفرمی در تهران، مکزیکوسیتی یا باتکوک هر سه درآمد ناپایداری داشته باشند؛ اما میزان آسیبی که یک بیماری، جنگ، قطعی اینترنت یا رکود به زندگی آنان وارد می‌کند، به کیفیت بیمه اجتماعی، دسترسی دیجیتال و سیاست حمایتی کشورشان بستگی دارد.

اشتغال هست، امنیت شغلی نیست

ایران امروز فقط با مسئله بیکاری مواجه نیست. بخش مهم‌تری از مسئله، کیفیت شغلی است که برای کسانی که «بیکار نیستند» باقی مانده است. کار کردن بدون قرارداد، فروش بدون بازار ثابت، رانندگی بدون تضمین درآمد، تولید محتوا روی اینترنتی که ممکن است قطع شود، کارگاه بدون ذخیره نقدی و فریلنسری در اقتصادی با تورم بالای ۶۰ درصد، از نظر آماری اشتغال محسوب می‌شود؛ اما برای خانواده‌ای که باید هر ماه اجاره و خوراک پرداخت کند، فاصله زیادی با امنیت اقتصادی دارد.

مشاغل غیررسمی در ایران سال‌ها نقش ضربه‌گیر بازار کار را بازی کرده‌اند. هر بار کارخانه‌ای کوچک شده، درآمد حقوق‌بگیری کافی نبوده یا اقتصاد نتوانسته شغل رسمی بسازد، بخشی از نیروی کار در بازار غیررسمی جذب شده است.

اما دو سال اخیر یک تناقض را آشکارتر کرده است: همان بخشی که کار را بود شوک‌ها را جذب کند، حالا خودش زیر مجموعه‌ای از شوک‌های همزمان مانده است؛ جنگ، اینترنت، تورم، کاهش تقاضا، سقوط ارزش پول و نااطمینانی.

اقتصاد غیررسمی می‌تواند اجازه دهد فرد امروز نان بخرد؛ اما اگر بیمه، دسترسی پایدار به اینترنت، امکان تأمین مالی و حداقلی از ثبات اقتصادی وجود نداشته باشد، نمی‌تواند برای او فردا بسازد.

اخبار

رگبار و رعدوبرق در برخی مناطق کشور طی روزهای آینده

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا از وقوع رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید در برخی مناطق کشور طی روزهای آینده خبر داد و گفت: چهارشنبه (۲۹ مهر) بارش پراکنده در شمال غرب، شرق سواحل دریای خزر و برخی مناطق غرب کشور ادامه خواهد داشت. صادق ضیاییان در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به پیش‌بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده‌نگری، اظهار کرد: بر اساس تحلیل آخرین نقشه‌های پیش‌بینی هواشناسی امروز یکشنبه (۲۶ مهر) در شمال فارس، غرب یزد، جنوب کرمان، شرق هرمزگان، دربرخی نقاط اصفهان و چهارمحال و بختیاری افزایش ابر، رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید و در سواحل دریای خزر و ارتفاعات البرز مرکزی افزایش ابر و رگبار پراکنده رخ می‌دهد. وی افزود: دوشنبه و سه‌شنبه (۲۷ و ۲۸ مهر) در استان‌های اصفهان، چهارمحال و بختیاری، غرب یزد، شمال فارس، جنوب کرمان، شرق هرمزگان و جنوب سیستان و بلوچستان افزایش ابر گاهی بارش باران، در بعضی ساعت‌ها افزایش باد گاهی بارش پراکنده در شمال غرب، شرق سواحل دریای خزر و برخی مناطق غرب کشور ادامه خواهد داشت. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا درباره وضعیت جوی تهران طی دو روز آینده اظهارکرد: آسمان تهران فردا (۲۶ مهرماه) کمی ابری با قسمتی ابری همراه با وزش باد، در بعضی ساعات‌ها افزایش باد گاهی بارش پراکنده از اواخر شب کاهش ابر با حداقل دمای ۱۷ و حداکثر دمای ۲۸ درجه سانتیگراد و طی دوشنبه (۲۷ مهرماه) صاف تا کمی ابری وزش باد را بعد از ظهر افزایش و باد با حداقل دمای ۱۷ و حداکثر دمای ۲۸ درجه سانتیگراد پیش‌بینی می‌شود.

کمبود و گرانی دارو نتیجه بازار ارز و تورم است



نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، کمبود و گرانی دارو را نتیجه مدیریت نامناسب بازار ارز و تورم دانست.

به گزارش مهر، روح‌الله لک‌علی‌آبادی، با انتقاد از تداوم کمبود و افزایش قیمت دارو، گفت: با وجود اهمیت تأمین دارو و درمان مردم، در یکی دو سال اخیر همچنان با مشکلاتی در زمینه تولید و تأمین دارو مواجه بوده‌ایم و این وضعیت باید به شکل جدی برطرف شود.

وی با اشاره به سیاست‌های ارزی کشور، افزود: بانک مرکزی با هدف کنترل نرخ دلار، منابع ارزی را وارد بازار می‌کند، اما این رویکرد از نظر کارشناسی محل بحث است چرا که اولویت‌های اصلی کشور باید درمان، تأمین سبد معیشت مردم و مسکن باشد.

لک‌علی‌آبادی با تأکید بر ضرورت توجه به حوزه سلامت، داد: اگر منابع و سیاست‌گذاری‌ها به‌درستی مدیریت شود، می‌توان بخش مهمی از مشکلات مردم در زمینه درمان و دارو را برطرف کرد اما متأسفانه تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است. نایب‌رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از عملکرد تیم اقتصادی دولت در کنترل تورم و مدیریت بازار ارز، تصریح کرد: بانک مرکزی و وزیر اقتصاد در مدیریت مسائل اقتصادی کشور و مهار تورم، آن‌گونه که انتظار می‌رود عمل نکرده‌اند.

وی یادآور شد: یکی از محورهای اصلی انتقاد از وزیر اقتصاد، نبود مدیریت و تدبیر کافی برای مقابله با تورم و ساماندهی بازار ارز است؛ موضوعی که آثار آن در بخش‌های مختلف، از جمله حوزه دارو و درمان، قابل مشاهده است. لک‌علی‌آبادی با اشاره به تداوم مشکلات دارویی، گفت: در حال حاضر هم با کمبود برخی داروها و هم با افزایش قیمت آنها مواجه هستیم و تاکنون پاسخ قانع‌کننده‌ای از سوی بانک مرکزی برای رفع این مشکلات دریافت نشده است.

می‌کند. در نتیجه توان دفاعی درخت در برابر بیماری‌ها و آفات افت می‌کند.

در این مرحله، آفات و بیماری‌ها از جمله حشرات پوست‌خوار به‌عنوان مهاجمان فرصت‌طلب عمل می‌کنند و به درختان ضعیف و تحت تنش حمله می‌برند. بر پایه شواهد موجود، آفات بیشتر عامل ثانویه بودند. تنش اولیه ناشی از ضعف آبیاری بود که توان درختان را در برابر بیماری و آفات کاهش داد. در چنین شرایطی عرصه و پوشش گیاهی آن مستعد حمله آفات و در نهایت خشکیدگی شدند.

وی درباره راهکارهای پیشگیری از خشکی مجدد درختان تازه کاشته شده پارک چیتگر اظهار کرد: مسئله اصلی در احیای پارک‌های جنگلی چیتگر و سرخه حصار این نیست که صرفاً درختان خشک شده را قطع کنیم و به‌جای آن‌ها نهال جدید بکاریم؛ مسئله اصلی این است که چرا سامانه جنگلی موجود توان پایداری خود را از دست داده‌اند و چگونه می‌توان شرایط اکولوژیک لازم برای بازسازی آن را دوباره فراهم کرد.

رییس اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط زیست ایران تأکید کرد از رویکرد قطع درخت خشک و کاشت نهال جدید باید به رویکرد «مدیریت یکپارچه جنگل» حرکت کرد؛ رویکردی که آفت، آفات، ساختار توده، ترکیب گونه‌ای، تأمین مالی و مسئولیت‌پذیری مدیریتی و هماهنگی‌های بین بخشی و مدیریت متمرکز را هم‌زمان در نظر می‌گیرد.

بنگر در پایان گفت: حفظ درختان زنده و جلوگیری از گسترش کانون‌های خشکیدگی و تأمین آب پایدار و احیای حق‌ابه، استفاده کنترل‌شده از پساب تصفیه‌شده، تمیز کردن جوی‌ها و تشک‌زنی، تعمیر خطوط انتقال، مخازن، ایستگاه‌های پمپاژ و تجهیزات معیوب و احیای مرحله‌ای با گونه‌های سازگار و متنوع، همراه با پایش و نظارت ما را در بحران عبور می‌برد و به سمت احیا می‌برد.

رییس اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط زیست ایران پاسخ داد

چرا درختان چیتگر خشک شدند؟

روی سن درخت نتیجه گرفت که عمر مفید آن پایان یافته با خشکیدگی اجتناب ناپذیر بوده است. یک درخت مسن در شرایط مناسب آب، خاک و مراقبت می‌تواند سالم بماند؛ در مقابل درختی جوان نیز ممکن است بر اثر تنش آبی شدید از بین برود.

وی اضافه کرد - سن و ساختار سنی نامتوازن زمانی خطرناک‌تری می‌شود که عواملی همچون تنش آبی مزمن، کاهش توان ترمیم و مقاومت برخی درختان در برابر آفات، افزایش دما و سایر محدودیت‌ها در بالاترین حد قرار داشته باشد بنابراین سن بالا را باید یکی از عوامل زمینه‌ای و تشدیدکننده احتمالی دانست، نه علت قطعی و مستقل خشکیدگی همه درختان.

رییس اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط زیست ایران در پاسخ به این پرسش ایسنا که آیا خشکسالی و کم‌بارشی‌های سال‌های اخیر دلیل قانع‌کننده‌ای برای عدم پرداخت منظم حق‌ابه درختان پارک چیتگر بوده است؟ گفت: در هر جغرافیایی خشکسالی، کمبود منابع آب و تغییر اقلیم تأثیر به‌سزایی در خشک شدن درختان دارد ولی اکوسیستم‌های مصنوعی مانند چیتگر که دست‌کاشت هستند، به‌شدت به آبیاری حمایتی وابسته هستند. حذف یا خلل در تأمین این حق‌ابه در سال‌های خشکسالی مانند قطع دستگاه تنفس مصنوعی برای بیمار است بنابراین مدیریت باید پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین آب از پساب یا منابع پایدار را در اولویت قرار دهد.

وی ابراز امیدواری کرد که به مدیریت ریسک کم‌آبی با اتخاذ تمهیدات مستقیم‌مانند تأمین منابع آبی پایدار و غیر مستقیم‌همچنین بهینه کردن آبیاری و انتخاب گونه های مناسب بیشتر توجه شود.

بنگر درباره تأثیر کم‌آبی بر توان دفاعی درختان چیتگر گفت: وقتی درخت درگیر بقا در برابر کم آبی است، انرژی و توان خود را صرف مدیریت تنش آبی